

دعوی گروهی و تأثیر آن بر حمایت از حقوق مصرف‌کننده*

عباس قاسمی حامد¹

آرزو فلاح²

(تاریخ دریافت: 1393/01/30 - تاریخ تصویب: 1393/06/18)

چکیده

برای طرح ادعایی مشترک، دعوی گروهی از سوی افراد متعدد علیه خواننده‌ی واحد اقامه می‌گردد. در این شکل از اقامه‌ی دعوا، یک نفر یا بیشتر از اعضای گروه به عنوان نماینده‌ی گروه در خصوص ادعای مشترک بین اعضا، علیه یک یا چند خواننده اقامه‌ی دعوا می‌کنند. اعضای گروه اگرچه در بیشتر موارد نقش فعالی در دادرسی ندارند اما، به نتیجه حاصل از دادرسی ملزم خواهند بود. امروزه دعوی گروهی به عنوان یکی از اقسام طرح دعوا به صورت دسته‌جمعی از جایگاه ویژه‌ای در حقوق آمریکا برخوردار است. طرح دعوا به صورت گروهی، فرصت و امکان احقاق حق برای تعداد کثیری از افرادی که به تنهایی انگیزه‌ی کافی برای پیگیری مطالبات اندک خود ندارند را فراهم می‌آورد. از طریق این شیوه اقامه‌ی دعوا، کارآیی سیستم قضایی افزایش می‌یابد و طرح دعوا از سوی تعداد زیادی از افراد، مقرون به صرفه جلوه می‌نماید. شرایط اقامه‌ی دعوی گروهی در ماده 23 قانون آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا و قانون منصفانه‌ی دعوی گروهی مصوب سال 2005 میلادی به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. دعوی گروهی در زمینه‌های متعددی از قبیل حقوق مصرف‌کننده، ضد انحصار، حقوق استخدامی، حقوق مدنی، محیط زیست و... طرح می‌شوند.

واژگان کلیدی: دعوی گروهی، اعضای گروه، وکیل گروه، جبران خسارت، سازش.

Email: dr.gh.hamed@gmail.com

1- نویسنده‌ی مسئول - استاد حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی.

2- کارشناس ارشد حقوق اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی.

* این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده دوم می‌باشد که در دانشگاه شهید بهشتی دفاع شده است.

مقدمه

حقوق افراد جامعه، به وسیله‌ی قوانین شکلی و ماهوی تضمین و مورد حمایت قرار می‌گیرد. پیش‌بینی ابزارهای شکلی تسهیل‌کننده طرح دعوا و پیگیری مطالبات افراد، از لوازم ضروری اجرای این قوانین ماهوی تلقی می‌گردد. از سوی دیگر، امروزه با توجه به تولید محصولات در سطح انبوه و وجود بازارهای گسترده‌ی اقتصادی، متضرر شدن از مصرف محصولات معیوب یا روش‌های متقلبانه که به نوعی حقوق افراد را تضییع می‌کند امری اجتناب‌ناپذیر است. وضع قوانین شکلی، ماهوی و سازوکارهای نوین در جهت احقاق حق مؤثرتر مصرف‌کنندگان متضرر، نیازی است که جامعه‌ی حقوقی ایران با آن مواجه است. بر این اساس اقدامات پژوهشی مرتبط با زمینه‌های یادشده آغاز گردید. به موازات پژوهش‌های صورت‌گرفته، قانون‌گذار نیز دست به کار شد. در این رابطه می‌توان به قانون تجارت الکترونیکی مصوب 1382/10/17، قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو مصوب 1386/3/23، قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (44) قانون اساسی مصوب 1386/11/8 و قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب 1388/7/15، اشاره نمود.

وضع قوانین مرتبط با شیوه‌های جدید طرح و اقامه دعاوی نقش مهمی در پاسخ به ضرورت اجتماعی یادشده ایفا می‌نماید. در مواردی که مطالبات افراد ناچیز است و با توجه به هزینه‌ی بالای اقامه‌ی دعوا برای متضررین، انگیزه‌ای برای طرح دعوا و پیگیری آن وجود ندارد، جامعه نیازمند راه‌حلی است که به موجب آن احقاق حق متضررین به بهترین نحو صورت گیرد. دعاوی گروهی راه‌حلی را فراهم می‌کند تا در مقابل این موانع با اجتماع ادعای افراد متعدد در یک دعوا، به این نیاز پاسخ داده شود. دعاوی گروهی، با نمایندگی شخص یا اشخاصی از سوی تعداد زیادی از افراد، علیه یک یا چند خواننده مطرح می‌شود. این شیوه اقامه‌ی دعوا، طریقی برای احقاق حق و جبران خسارت وارده به تعداد زیادی از افراد، با هدف کاهش هزینه‌ها و افزایش کارآیی رسیدگی، استفاده‌ی بهینه از زمان و سرمایه‌ی سیستم قضایی

شمرده می‌شود. دعوی گروهی به عنوان یک شیوه اقامه‌ی دعوا، امکان استیفای حقوقی را فراهم می‌سازد که در صورت عدم کاربرد آن، فرصت رسیدگی و طرح نمی‌یافتند.

از آنجایی که دادرسی هزینه‌های قابل توجهی به دنبال دارد، زمانی ادعاهای افراد برای رسیدگی در دادگاه طرح می‌شود که منافع حاصل از آن‌ها بر هزینه‌ها برتری داشته باشد. از این رو، دعوی گروهی اقامه‌ی دعوی مرتبط با ادعاهای کوچک را تسهیل می‌نماید. از سوی دیگر، لزوم حمایت از مصرف‌کننده یکی از مباحث مشترک بین علم حقوق و اقتصاد محسوب می‌شود. برای برقراری تعادل در روابط قراردادی فی‌مابین متخصصین و مصرف‌کنندگان باید قواعدی مؤثرتر از قواعد موجود پیش‌بینی کرد. پیش‌بینی شیوه‌ای برای اقامه‌ی دعوا که احقاق حقوق مصرف‌کنندگان متضرر را بهتر و سریع‌تر امکان‌پذیر کند، مسأله‌ای است که بسیاری از کشورها به آن توجه نموده‌اند.

امروزه دعوی گروهی در زمره‌ی قدرتمندترین ابزارهای حقوقی و قانونی در ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شود. طی سال‌های متمادی با بررسی دعوی گروهی متعدد در این کشور، کاستی‌های آن آشکار شده و متولیان امر با قانون‌گذاری‌های بعدی در صدد رفع مشکلات آن برآمده‌اند. سیستم دعوی گروهی در حقوق فدرال آمریکا به گونه‌ای است که سایر کشورها نیز در تدوین قوانین خود، رویه‌ی فدرال ایالات متحده آمریکا را به عنوان الگویی منسجم و مدون، در زمینه‌ی دعوی گروهی مدنظر قرار داده‌اند. در واقع، رویه‌ی دعوی گروهی فدرال به عنوان بدنه‌ی اصلی دعوی گروهی ایالات متحده آمریکا شناخته می‌شود. در این مقاله با بررسی حقوق فدرال ایالات متحده آمریکا در این حوزه، سعی خواهد شد دعوی گروهی معرفی شود و در کنار آن طرق مشابه طرح دعوی گروهی در حقوق ایران نیز مورد مذاقه قرار گیرد تا از این طریق، راه برای بررسی‌های بعدی در این موضوع هموارتر گردد.

حقوق مصرف یکی از بسترهای مناسب بهره‌برداری از طرح دعوی گروهی است. در بسیاری از کشورها که در قوانین شکلی خود اقامه‌ی دعوی گروهی و لوازم آن پیش‌بینی نشده، به سازمان‌های حمایت از مصرف‌کننده امکان و اختیار طرح دعوا از سوی صدها یا

هزاران مصرف‌کننده را داده‌اند. به منظور حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان در حقوق ایران، اقدامات سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در رابطه با رسیدگی به شکایات و پیگیری تخلفات، امری بسیار مثبت و حائز اهمیت است. اما، این سازمان به تنهایی نتوانسته دعاوی مصرف‌کنندگان و اهداف حمایتی مربوط به آن‌ها را به‌طور جدی به انجام رساند. صرف‌نظر از ارائه‌ی راه‌کارهای حمایتی مطلوب در اساسنامه سازمان یادشده، به نظر می‌رسد، راه‌حل پر نمودن خلأهای موجود، رشد و شکوفایی فعالیت انجمن‌های حمایت از مصرف‌کنندگان در کشور می‌باشد که در ماده 9 قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مورد پیش‌بینی قرار گرفته است.

با توجه به اختیاراتی که اخیراً به انجمن‌های شهرستانی حمایت از مصرف‌کننده داده شده است (ماده 10 آیین‌نامه اجرایی ماده 21 قانون حمایت از مصرف‌کننده)، پیش‌بینی رویه‌هایی برای تسهیل اقامه‌ی دعوا که احقاق حق بهتر افراد متضرر، کاهش زمان و هزینه و حفظ منابع سیستم قضایی را به‌دنبال داشته باشد، مورد توجه قرار گرفته است. این امر، یکی از گام‌های اولیه‌ی دعوای گروهی محسوب می‌شود. با وجود این، دعوای گروهی در قوانین شکلی ایران هنوز به شکل مستقل پیش‌بینی نشده و اختیارات گسترده‌ای نیز به انجمن‌های حمایت از مصرف‌کننده داده نشده‌است. انجمن‌های حمایت از مصرف‌کننده رأساً و بدون دریافت شکایت از سوی مصرف‌کنندگان، امکان طرح دعوا در سازمان تعزیرات حکومتی و پیگیری موضوع را ندارند. با این توجه، افزایش حوزه‌ی صلاحیت و اختیارات این انجمن‌ها موجبات بهره‌مندی از مزایای طرح دعوای گروهی را فراهم می‌سازد.

این پژوهش از جمله گام‌های اولیه به منظور معرفی دعوای گروهی در حقوق ایران محسوب می‌شود؛ تا با بیان مزایای آن، زمینه‌ی بررسی‌های بیشتر و پیش‌بینی این شیوه اقامه‌ی دعوا در حقوق ایران در جهت حمایتی مؤثرتر از حقوق مصرف‌کنندگان فراهم گردد.

قسمت اول - شناسایی دعوای گروهی و سایر طرق اجتماع افراد در دعاوی

در این قسمت، ابتدا دعوای گروهی مورد شناسایی قرار خواهد گرفت (مبحث اول) و سپس از آن‌جایی که دعوای گروهی یکی از اقسام طرح دعاوی دسته‌جمعی است، برای

مشخص کردن جایگاه آن، سایر طرق اجتماع افراد در دعاوی در حقوق آمریکا نیز، مورد بررسی قرار می‌گیرد (مبحث دوم).

مبحث اول - شناسایی دعاوی گروهی

آشنایی با پیشینه و تعریف دعاوی گروهی (گفتار اول) زمینه‌ی شناسایی اقسام دعاوی گروهی (گفتار دوم) را فراهم می‌آورد.

گفتار اول - پیشینه و تعریف دعاوی گروهی

دعوی گروهی در طول زمان مسیر پر فرازونشیبی را طی نموده است. با این توجه، لازم است ابتدا پیشینه‌ی این نوع دعوا بررسی شود (الف) و سپس مفهوم دعاوی گروهی به عنوان یک شیوه اقامه‌ی دعوا مورد بحث قرار گیرد (ب).

الف - پیشینه دعاوی گروهی

به لحاظ تاریخی، ریشه‌های دکتترین دعاوی گروهی، با مشکلات ناشی از اجرای «قانون لزوم حضور اعضای ذینفع در دادرسی» (Necessary Parties Rule) در دادگاه‌های چنبری انگلستان (قرن‌های 17 و 18) مرتبط است. مطابق این قانون، هر فردی که در موضوع دعوا نفعی برای او متصور بود، می‌بایست به عنوان طرف دعوا به دادرسی بپیوندد. اندیشه‌ی حاکم بر این قانون چنین بود که عدالت نهایی تنها با تعیین حقوق تمام افراد مرتبط با موضوع دعوا تجلی و تحقق می‌یابد. این قانون موجب جلوگیری از طرح دعاوی متعدد می‌شد و اجرای حکم از سوی تمام افراد حاضر در دادرسی را تضمین می‌کرد (JR, L. Gedid, Hazard (Sowle, 1998, p.1858).

در مواردی که اجتماع افراد متعدد در دادرسی غیر ممکن به نظر می‌رسید، دادگاه‌ها این دعاوی را مستثنا کرده و بدون نیاز به حضور همه ذینفعان به آن رسیدگی می‌نمودند. در واقع به عنوان یک قاعده‌ی کلی، اعضای یک گروه پر جمعیت با واسطه‌ی نماینده خود در دعوا، همگی عضو و طرف دعوا محسوب می‌شدند (Ibid, p.1859).

طرح دعوا به وسیله دادخواست ویژه (Bill of Peace)، یکی از شیوه‌های اولیه‌ی طرح دعوا از سوی ذینفعان متعدد بوده است. اولین جلوه‌های دکترین دعوی گروهی در آن دسته از دعاوی که به وسیله دادخواست ویژه اقامه می‌شدند ظاهر شد. اکثریت تاریخ‌دانان حقوقی، دعوی گروهی را به عنوان شاخه‌ای منشعب از دادخواست ویژه مطروحه در قرن 17 در دادگاه‌های چنبری انگلستان می‌دانند. در این دادخواست به تعداد زیادی از خواهان‌ها و خوانندگان این امکان داده می‌شد تا مسأله‌ی واحد خود را در یک دعوا نزد دادگاه‌های چنبری طرح کنند. به موجب این شیوه طرح دعوا، خواهان (نماینده) می‌بایست به دادگاه ثابت می‌کرد منعکس‌کننده‌ی تمامی منافع اعضای گروه است، چراکه در نهایت تمامی اعضای گروه ملزم می‌شدند حکم دادگاه را رعایت نمایند (Miller, 2009, p.131).

در مطالعات تاریخی، از دعاوی گوناگون به عنوان اولین دسته از دعاوی گروهی یاد شده است. هر کدام از این دعاوی ویژگی‌های خاصی دارند. باید در نظر داشت، نمونه‌های اولیه‌ی دعوی گروهی به هر دو صورت دعوی گروهی خواهان (دعوی رعایا در مقابل حاکم شهر در رابطه با پرداخت اجاره به پول غیر رایج جزیره، به عنوان مثال دعوی Discart v. Otes درخصوص پول رایج جزیره‌ای در جنوب غربی ساحل فرانسه از سوی اهالی جزیره بر علیه حاکم آن Otes Grandison) و دعوی گروهی خوانده (دعوی کشیش در مقابل مردم شهر در رابطه با مالیات، به عنوان مثال دعوی Rector of Barkway v. parishioner of Master Martin Nuthampstead که در سال 1199 میلادی، رئیس کلیسای بخش منطقه Nuthampstead به نام Master Martin در مقابل اهالی آن منطقه طرح کرد) اقامه می‌شده است. دعوی گروهی در حقوق انگلستان، به شکل‌گیری این شیوه در حقوق ایالات متحده آمریکا کمک قابل توجهی نموده است. جوزف استوری (Joseph Story). قاضی دادگاه عالی ایالات متحده آمریکا در سال‌های 1811-1845 به نوعی توسعه‌دهنده‌ی دادخواست ویژه و دعوی گروهی در حقوق آمریکا محسوب می‌شود. وی بر این باور بود که دادخواست ویژه و سپس دعوی گروهی، ابزاری آسان و کارآمد برای رسیدگی به زیانی است که تعداد زیادی از افراد را تحت تأثیر قرار داده است (Hazard JR, L.Gedid, Sowle, op.cit, p.1878).

در حقوق آمریکا، رویه‌ی دعاوی گروهی ابتدا در قلمرو انصاف مطرح بود. در سال 1842 میلادی دادگاه عالی آمریکا دومین مجموعه قوانین انصاف فدرال را تصویب کرد. ماده 48 این مجموعه قوانین چنین بیان می‌داشت: «زمانی که تعداد افراد در دعوا، به قدری زیاد است که بدون ایجاد تأخیر و ناسازگاری امکان رسیدگی فراهم نمی‌شود، دادگاه در صورت احراز کفایت تعداد اعضای گروه جهت تأمین منافع خواهان‌ها و یا خواندگان، در حدود صلاحیت خود حضور تمامی اعضا در دادرسی را غیر الزامی اعلام می‌نماید». البته در این شکل از رسیدگی، دادگاه ملزم بود بدون قضاوت‌های تبعیض‌آمیز در مورد حقوق و ادعای افراد غایب حکم دهد (Ibid, pp.1923-24).

در سال 1912 میلادی قانون انصاف فدرال اصلاح شد. به این ترتیب علاوه بر شماره-گذاری مجدد، ماده 48 قانون قبلی و شروط آن کنار گذاشته شد و این مسأله در قالب ماده 38 مطرح شد. ماده 38 قانون انصاف فدرال بیان می‌داشت: «زمانی که موضوع دعوا مسأله‌ی واحد و مشترک تعداد زیادی از افراد است و تعدد، حضور همه آن‌ها را در دادرسی ناممکن می‌سازد، یک نفر یا بیشتر می‌تواند از سوی همه، اقدام به دفاع بنماید». در این قانون برای از بین بردن تعارضات، دعاوی گروهی در سه دسته طبقه‌بندی شد:

▪ طبقه اول آن دسته از دعاوی بود که دادگاه با توجه به یک سرمایه یا مال مشترک بین اعضای گروه، همه‌ی آن‌ها را به نتیجه‌ی دادرسی ملزم می‌کرد. تنها در این دعوی بود که اعضای غایب به حکم دادگاه ملزم می‌شدند و نتیجه‌ی دادرسی به آن‌ها نیز مربوط می‌شد (True Class Suit).

▪ طبقه دوم آن دسته از دعاوی بود که به دنبال ادعاهای مجزایی که وحدت حکمی و موضوعی داشت، اقامه می‌شد. در این دعوی، اعضای گروه در صورتی که شخصا به دعوا وارد شده بودند، به نتیجه‌ی حاصل از دادرسی ملزم می‌شدند. ورود به دعوا پس از دادرسی نیز امکان‌پذیر بود (Spurious Class Suit).

طبقه سوم، دعای «Hybird Class Suit» بود که به دنبال ادعاهای مجزا درخصوص یک سرمایه‌ی مشترک یا املاک شکل می‌گرفت و به نوعی دعوی بین دو نوع پیشین تلقی می‌شد (B.Marcin, 1974, p.5).

در سال 1937 میلادی دادگاه عالی ایالات متحده، قانون آیین دادرسی مدنی فدرال را با ترکیب حقوق و انصاف تصویب نمود. در زمینه‌ی دعوی گروهی، ماده 23 این قانون به عنوان بازنویسی اساسی از ماده 38 انصاف مطرح شد. طبقه‌بندی سه‌گانه‌ای که قبلاً درخصوص دعوی گروهی وجود داشت، به حیات خود ادامه داد. این قانون در مورد عدم تصمیم‌گیری نسبت به ابلاغ‌های صورت گرفته به اعضای گروه و امکان خروج از دعوا، سردرگمی‌هایی را پدید آورد. در سال 1966 میلادی ماده 23 قانون آیین دادرسی فدرال، مورد بازنگری قرار گرفت و تغییرات اساسی در آن رخ داد. در این ماده قانونی، طبقه‌بندی سه‌گانه دعوی گروهی کنار گذاشته شد و دعوی گروهی با شرایط جدید دسته‌بندی گردید. بر مبنای این قانون، برای طرح دعوا به صورت گروهی رعایت تمام شرایط طرح شده در بند (a) و یکی از شرایط مطروحه در بند (b) ماده 23 قانون آیین دادرسی مدنی فدرال الزامی شد.

ماده 23 از سال 1966 میلادی تا سال 1998 تغییر چندانی نداشت. در سال 1998 دادگاه عالی یک بند فرعی به ماده 23 اضافه نمود. موضوع این بند اجازه تجدیدنظرخواهی از تصمیم‌های تأیید یا رد دعوی گروهی بود و اصلاحات بعدی نیز جنبه‌ی ماهوی نداشت. امروزه، می‌بایست مقررات مرتبط با دعوی گروهی را در ماده 23 قانون آیین دادرسی مدنی فدرال (در ارتباط با شرایط لازم اقامه‌ی دعوی گروهی) و همچنین در بخش 114 از بخش 28 مجموعه قوانین ایالات متحده جست‌وجو کرد (Chapter 114, TITLE 28 U.S. Code).

در سال 2005 میلادی قانونی تحت عنوان «Class Action Fairness Act» در زمینه‌ی دعوی گروهی تصویب شد. به موجب این قانون، برخی مواد بخش 114 از بخش 28 مجموعه قوانین ایالات متحده، در رابطه با دعوی گروهی اصلاح شد. در این قانون علاوه بر طرح اعلامیه‌ی حقوق مصرف‌کننده، دامنه‌ی صلاحیت دادگاه‌های فدرال در مورد دعوی گروهی گسترده‌تر از پیش شد. از دهه 1990 دادگاه‌های فدرال، برخورد سختگیرانه‌ای درخصوص

پذیرش دعوی گروهی اعمال می‌کردند. این امر موجب تمایل و کلای خواهان به دادگاه‌های ایالتی شد. نتیجه‌ی حاصل از اصلاحات قانون Class Action Fairness Act (CAFA) نیز موجب شد به علت سختگیر بودن دادگاه‌های فدرال در پذیرش دعوی گروهی، خواندگان تعداد زیادی از دعوی گروهی را به دادگاه‌های فدرال منتقل کنند (Sherman, 2007, p.4). طبق قانون CAFA، اصلاحات صورت گرفته عطف به ماسبق نمی‌شود. آخرین اصلاح ماده 23 قانون آیین دادرسی مدنی فدرال نیز در سال 2009 میلادی در خصوص تجدیدنظرخواهی از حکم پذیرش یا رد دعوی گروهی صورت گرفت. بر مبنای این اصلاحیه، مقرر شد درخواست تجدیدنظرخواهی 14 روز پس از صدور حکم تنظیم شود تا مورد پذیرش قرار گیرد (Rule 23 Federal Civil Procedure Rule 2009).

ب- تعریف دعوی گروهی

به طور معمول یکی از شایع‌ترین شیوه‌های دادخواهی، طرح دعوا از سوی یک خواهان علیه یک خوانده است. در اغلب موارد، اقامه‌ی دعوا فرصتی برای طرح دلایل خواهان محسوب می‌شود؛ اما طرح دعوی انفرادی در مواردی منجر به صدور احکام متفاوت و متعارض می‌شود. این احکام متعارض، موجب تقلیل احترام عمومی نسبت به دستگاه قضایی خواهد شد. از سوی دیگر، طرح دعوا از سوی افراد متعدد، هزینه‌های گوناگونی از قبیل هزینه‌های تحقیق و بررسی مدارک و مستندات، استخدام وکیل و کارشناس و غیره به دنبال دارد. مطابق قوانین آمریکا، هر طرف دعوا متعهد است هزینه‌های مرتبط با دادرسی خود را پرداخت کند. تحمل این هزینه‌ها در صورتی که خواهان ارزش زیادی نداشته باشد، انگیزه‌ی وی را برای طرح دعوا به صورت فردی کاهش می‌دهد (Anderson, Trask, 2010, p.3). در دعوی گروهی، احقاق حق تعداد زیادی از افراد، تنها با اجتماع افرادی برای اقامه‌ی دعوا در دادگاه صورت نمی‌گیرد، بلکه نمایندگی تعدادی از آنها از سایر اعضای گروه زمینه را برای رسیدگی مؤثر فراهم می‌سازد. در واقع آنچه در فهم دعوی گروهی نباید از نظر دور داشت، مفهوم نمایندگی در ماهیت این دعوی است (Rubenstein, op.cit, p.2).

همان‌طور که ریشه‌های تاریخی موضوع نشان می‌دهد دعای گروهی بیشتر از این که ابزار طرح دعای جمعی تلقی شوند، راهی برای طرح دعوا به صورت نمایندگی هستند. الزام تمام اعضای مشخص و نامشخص گروه نمایندگی به عنوان یکی از تشریفات قانونی، زمانی تحقق می‌یابد که منافع اعضای نامشخص در دعوا به گونه‌ای بسنده توسط کسانی که در دعوا شرکت دارند تأمین و ارائه شود. در واقع عنصر نمایندگی در دعای گروهی امکان بار شدن نتیجه‌ی دادرسی را بر اعضای غایب گروه فراهم می‌کند. نمایندگی و جمعی بودن تنها عناصر انحصاری دعای گروهی محسوب نمی‌شوند اما، دعای گروهی تنها نمونه‌ی دعای جمعی هستند که به عنوان بخشی از تشریفات قانونی، نیازمند نمایندگی کافی از ادعاهای اعضای آن گروه است (Lyn Basset, 2007, p. 1417).

در مقدمه قانون منصفانه دعای گروهی مصوب سال 2005 میلادی دعای گروهی این‌گونه توصیف شده است: «دعای گروهی با فراهم آوردن زمینه‌ی اجتماع ادعاهای افراد متعدد، در یک دعوی واحد علیه خواننده‌ای که ظاهراً موجب ورود ضرر شده، بخش مهم و ارزشمند سیستم قضایی محسوب می‌شوند». در این قانون مفهوم «گروه» به تمام اعضایی که در یک دعوی گروهی حضور دارند، اطلاق شده است. همچنین دعای گروهی به معنای «هر دعوی مدنی که طبق ماده 23 قانون آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا، در دادگاه بخش اقامه شود و یا هر دعوی مدنی، که ابتدائاً بر مبنای یک قانون ایالتی یا رویه‌ی قضایی که امکان طرح دعوا از سوی یک یا چند نماینده به عنوان دعوی گروهی را فراهم آورده اقامه شود و سپس به دادگاه بخش برده شود» دانسته شده است. اعضای گروه نیز، افرادی هستند که به صورت مشخص یا نامشخص، مشمول مفهوم گروه پیش‌نهاد شده یا پذیرفته شده در دعوی گروهی، شمرده می‌شوند (Class Action Fairness Act, 2005, p. 5).

دعای گروهی در دو قالب دعوی گروهی خواهان و دعوی گروهی خواننده مطرح می‌شود. اقامه‌ی دعوی گروهی خواننده به ندرت اتفاق می‌افتد. بنابراین، تحلیل‌ها بیشتر حول محور دعوی گروهی خواهان صورت می‌گیرد. دعوی گروهی خواهان، از سوی تعداد زیادی از افراد علیه یک یا چند خواننده مطرح می‌شود. دعوی گروهی خواننده، از سوی یک

خواهان، علیه تعداد زیادی از خواندگان که بر مبنای یک نظریه یکسان حقوقی، متخلف شناخته می‌شوند اقامه می‌شود. دعاوی گروهی خواننده و خواهان از پیشینه‌ی حقوقی یکسانی برخوردار هستند و هر دو مبتنی بر قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال اقامه می‌شوند. این دعاوی پس از اصلاحات ماده 23 قانون آیین دادرسی مدنی فدرال در سال 1966 از نظم بهتری برخوردار شده‌اند (X.Shen, 2010, p.79).

گفتار دوم - اقسام دعاوی گروهی

در این گفتار مهم‌ترین اقسام دعاوی گروهی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. البته باید اضافه نمود، دعاوی گروهی ممکن است به صورت ترکیبی از این اقسام طرح شوند.

الف - دعاوی گروهی اوراق بهادار (Securities Class Action)

در این قسم از دعاوی گروهی یک سهام‌دار از سوی گروهی از سهام‌داران، شرکتی را به دلیل اعمال نادرست مدیریتی، که منجر به سقوط ارزش سهام و ورود ضرر به سهام‌داران شده مورد تعقیب قرار می‌دهد. این اعمال نادرست، معمولاً شامل هر ادعای کذب یا امتناع از ارائه‌ی اطلاعات درخصوص حوادثی است که ارزش سهام شرکت را تحت تأثیر قرار داده است. دعاوی گروهی مرتبط با سهام، معمولاً دربردارنده‌ی ادعاهایی نسبت به روش‌های نادرستی است که مدیران شرکت‌ها برای پنهان ساختن عملکرد ضعیف شرکت به کار می‌برند تا از این طریق ارزش سهام را به صورت غیر واقعی بالا نشان دهند. در این موارد، هنگام آشکار شدن حقیقت، ارزش سهام از بالاترین سطح خود به کم‌ترین سقوط می‌کند (Driggers, 1973-1974, p.258).

اعمال یکسان آثار دعوا نسبت به تمام اعضای گروه موجب گردیده این قسم از دعاوی گروهی آسان‌تر از سایر اقسام آن مورد پذیرش دادگاه قرار گیرد (Anderson, Trask, op). (cit, p.56).

ب- دعاوی گروهی کارگری/استخدامی (Labor/Employment Class Action)

این نوع از دعاوی گروهی، روش‌ها و سیاست‌های کارفرما از قبیل تبعیض و یا عدم پرداخت حقوق و سود که به گروه خاصی از کارگرا ضرر وارد نموده را به چالش می‌کشد. این تبعیض‌ها در حوزه‌های مربوط به سن، نژاد، جنسیت، ملیت و مذهب اتفاق می‌افتد. اغلب دعاوی که اخیراً در این قلمرو طرح شده، در ارتباط با حقوق و ساعات کاری بوده که خواهان مدعی عدم دریافت حقوق متناسب با ساعات واقعی کار شده است. برخی از این دعاوی گروهی کارگری، به دلیل نقض قانون‌هایی مانند قانون استانداردهای منصفانه‌ی کار (Fair Labor Standards Act) اقامه می‌شوند. به موجب این قانون، کارگران می‌بایست حداقلی از حقوق را دریافت کنند و در صورتی که در موقعیت مشابه با عدم دریافت حقوق مکفی مواجه شوند، به آن‌ها اجازه‌ی طرح دعاوی دسته‌جمعی (Collective Action) نیز داده می‌شود. مراتب پذیرش این دعاوی با دعاوی گروهی موضوع ماده 23 قانون آیین دادرسی مدنی فدرال، تا حدودی متفاوت است. پذیرش دعوا مطابق این قانون، در دو مرحله صورت می‌گیرد؛ نخست دادگاه بر مبنای ادعاها تصمیم می‌گیرد تا اقامه‌ی دعوا را، به سایر اعضای گروه ابلاغ کند یا خیر. برای اتخاذ این تصمیم دادگاه وجود کارگران دیگری که بخواهند به گروه بپیوندند و این که آیا اصلاً کارگران دیگری در موقعیت مشابه خواهان وجود دارند یا خیر را مورد توجه قرار می‌دهد. در مرحله‌ی بعد، اگر دادگاه تصمیم گرفت که به خواهان‌های بالقوه‌ی دیگر، اقامه‌ی دعوا را ابلاغ نماید، به آن‌ها فرصت ورود به دعوا (و نه خروج) می‌دهد. زمانی که خواهان‌های دیگر به دعوا بپیوندند دعوا آغاز می‌گردد. دعاوی گروهی کار، حول محور اعمال خوانده می‌چرخد و خواهان به دنبال اثبات این امر است که، رفتار یا سیاست اعمال شده توسط خوانده تعداد زیادی از مستخدمین را در شرایط واحد، تحت تأثیر قرار داده است. از سویی دیگر، خوانده در صدد اثبات این امر است که، با هر کدام از خواهان‌ها به گونه‌ای متفاوت رفتار شده و این امر از سیاستی واحد سرچشمه نگرفته است. طرح دعوا در این حوزه، در سال‌های اخیر روند افزایشی داشته است (Ibid, pp.57-59).

ج- دعوی گروهی ناشی از مسئولیت تولیدکننده (Product Liability Class Action)

در این شکل از اقامه‌ی دعوی گروهی، مصرف‌کننده تولیدکننده را به علت ارائه‌ی محصولی معیوب در بازار مورد تعقیب قرار می‌دهد. عیب مورد ادعا، ممکن است در طرح کار یا روند تولید به وجود آمده باشد. پذیرش این قسم از دعوی گروهی، حول محور رابطه‌ی سببیت و خسارت می‌چرخد. خواهان به دنبال اثبات این امر است که عیب کالا موجب ورود خسارت به اعضای گروه شده، در حالی که خواننده بر این امر به عنوان دفاع اصرار می‌ورزد که تفاوت در طرح و تولید و ابزارهای مورد استفاده، رابطه سببیت و خسارت را در رابطه با همه‌ی گروه اثبات نمی‌کند. این قسم از دعوی گروهی در دهه 1990 و اوایل سال 2000 میلادی مشهور بودند. اما، امروزه به این دلیل که دادگاه‌ها، رابطه‌ی سببیت بین محصول و ضرر وارده را بین همه‌ی اعضای گروه به دشواری احراز می‌کنند، به سختی مورد پذیرش قرار می‌گیرند. خواهان‌هایی هم که هنوز در این قالب به طرح دعوی گروهی می‌پردازند، ادعاهای خود را در قالب پنهان کردن متقالبانه‌ی اطلاعاتی که به لحاظ قانون یا اخلاق می‌بایست منتشر شود، نقض تعهدات و نقض قرارداد طرح می‌کنند (Ibid, p.59).

در خصوص عدم پذیرش این دعوی، برخی قضات بر این باورند که در مواردی مثل مرگ و آسیب‌های شدید، باید به خواهان‌ها اجازه داد که شخصاً بر روند دادرسی و دعوی خود نظارت داشته باشند. این دسته از دعوی، پرچالش‌ترین نوع در دعوی گروهی است. اقامه‌ی دعوا در این موارد به صورت فردی قابل توجیه است اما، طرح آن به صورت گروهی به دلیل تشابه موضوع مؤثرتر و کارآمدتر به نظر می‌رسد. همچنین در صورتی که خواننده، دارایی کافی برای پرداخت خسارت وارده را نداشته باشد، انصاف حکم می‌کند که دعوا به صورت گروهی اقامه شود تا دارایی موجود بین خواهان‌ها تقسیم شود (Solheim, Hornbrook, 2013, p.4).

د- دعوی گروهی ناشی از فریب مصرف‌کننده (Consumer Fraud Class Action)

برخورداری از کالا و خدمات سالم با کیفیت مناسب و عاری از عیوب و خطرات، از ابتدایی‌ترین حقوق مصرف‌کنندگان محسوب می‌شود. مصرف‌کننده در دنیای پیچیده تولید، در بسیاری از موارد از ترکیبات کالا و طرز استفاده از آن، اطلاعاتی در دست ندارد و چه بسا در روند تولید کالایی معیوب ساخته شود و مصرف‌کننده با استفاده از آن دچار زیان و خسارت شود. از سوی دیگر پیشرفت صنایع و پیچیدگی نظام تولید، مصرف‌کننده را در مقابل این روند بی‌دفاع می‌سازد (صالحی، ابراهیمی، 1391، ص 62). از این رو، اجازه‌ی طرح دعاوی گروهی در این قلمرو نقش مهمی در حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و برقراری تعادل ایفا می‌کند.

در این شکل از دعاوی گروهی، خواهان مدعی است به وسیله یک اظهار فریب‌دهنده‌ی مثبت یا عدم ارائه‌ی اطلاعات مهم توسط خواننده، گمراه شده و این امر موجب متضرر شدن خواهان یا پرداخت مبلغی بیش از مبلغ واقعی شده است. فریب مصرف‌کننده تنها در بخش صنعت رخ نمی‌دهد، بلکه در هر قلمرو دیگری نیز امکان دارد. این شکل از دعاوی به علت رواج سودجویی شرکت‌های بزرگ از بی‌اطلاعی مصرف‌کنندگان، بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند. مضافاً این که، افراد معمولاً پول کافی برای اقامه‌ی دعوا به صورت انفرادی را در اختیار ندارند و سازمان‌های حمایت از مصرف‌کنندگان نیز از منابع کافی برای پیگیری همه‌ی ادعاها برخوردار نیستند. از این رو دعاوی گروهی توانستند در این میان نقش خود را به خوبی ایفا نمایند. مهم‌ترین محور بحث دعاوی فریب مصرف‌کننده، مبتنی بودن عمل مصرف‌کننده بر فریب و تدلیس تولیدکننده است. در بسیاری از دادگاه‌ها در صورتی که در دعوی گروهی، تدلیس مسأله فردی باشد و نتوان آن را به تمام اعضای گروه تسری داد، دعوی گروهی مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. از این رو خواهان‌ها به طرح ادعاهای خود بر مبنای عواملی مانند نقض قرارداد یا نقض تعهدات و ضمانت می‌پردازند. در دعاوی گروهی مصرف‌کننده، خواهان‌ها به دنبال طرح دعوا بر مبنای یک آسیب شخصی نیستند، بلکه بر عمل تولیدکننده مبتنی بر تبلیغات دروغ و قلب واقعیت در مورد محصولات خود تکیه دارند (Anderson, Trask, op.cit, p.59).

حقوق کامن لا درخصوص تدلیس بر این مبنا استوار است که تدلیس تولیدکننده، محرک فرد آسیب دیده برای خرید محصول بوده است. از آنجایی که مجموعه‌ای از عوامل متعدد، می‌تواند بر تصمیم اعضای گروه برای خرید تأثیر بگذارد، اثبات این رابطه بین تدلیس تولیدکننده و خرید محصول به امری فردی و اختصاصی نسبت به هر کدام از اعضای گروه تبدیل می‌شود و این امر پذیرش دعوی گروهی را، مطابق ماده 23 قانون آ.د.م. فدرال دشوار می‌سازد. البته به تازگی دادگاه‌ها برای تسهیل پذیرش این دعوی، سعی کرده‌اند این معیار را با انعطاف بیشتری مورد ارزیابی قرار دهند (Scheurman, 2006, pp.2-3).

دعوی گروهی مصرف کننده، اغلب بر مبنای نقض قرارداد یا ضمانت، وجود عیب در کالا یا خدمات و نقض قوانین حمایت از مصرف کننده ایالتی اقامه می‌شوند. اما باید توجه داشت که این دعوی در برخی موارد، به علت تفاوت‌های زیادی که بین اعضای گروه در انعقاد قرارداد، خرید محصولات، چگونگی ارائه خدمات به آن‌ها و یا چگونگی آسیب وارده به مصرف کننده وجود دارد، از سوی دادگاه مورد پذیرش قرار نمی‌گیرند و به نتیجه نمی‌رسند. در این دعوی، قضات برای تصمیم‌گیری بهتر باید بین حمایت از مصرف کننده، در مقابل اعمال متقلبانه شرکت‌ها و از سوی دیگر حمایت از کسب و کار و تجارت شرکت‌ها، تعادل برقرار سازند. در دهه‌های اخیر، دعوی گروهی مصرف کننده، به علت رشد و گسترش فروش محصولات از طریق تلفن و ایمیل و اینترنت، رونق زیادی پیدا کرده است. از سوی دیگر، قوانین حمایت از مصرف کننده در ایالات مختلف نیز نقش مؤثری در افزایش روند اقامه این دعوی داشته است (Sherman, op.cit, p.5).

عدم ارائه اطلاعات لازم و فریب مصرف کننده در حقوق ایران نیز مورد توجه زیادی قرار گرفته است. از آنجایی که یکی از اهداف اصلی حقوق، ایجاد تعادل در قرارداد و حمایت از طرف ضعیف است، در حقوق بسیاری از کشورها به دنبال حمایت از مصرف کنندگان و برقراری تعادل بین تولیدکنندگان و مصرف کنندگانی که در موضع ضعیف‌تری قرار دارند، تئوری تعهد به ارائه‌ی اطلاعات در این قلمرو مطرح شد. تعهد به ارائه‌ی اطلاعات در مفهوم کلی خود با اصل حسن نیت حاکم بر قراردادها پیوند خورده است. تعهد به ارائه‌ی اطلاعات، از

لحاظ اخلاقی بر پایه‌ی ضرورت رعایت اصل حسن نیت در هنگام مذاکرات پیش از انعقاد، مرحله انعقاد و اجرای قرارداد استوار است. در قوانین کلاسیک داخلی ایران راجع به تعهد به ارائه‌ی اطلاعات صریحاً قاعده‌گذاری نشده است. با وجود این، مبانی این تعهد را می‌توان با مواردی مانند تسلیم مبیع، مطابقت کالا با قرارداد، مسئولیت محض و ممنوعیت تبلیغات خلاف واقع استنباط کرد. بر مبنای دو اصل مذکور، تولیدکنندگان متعهد می‌گردند اطلاعات لازم را در ارتباط با کالاها و خدمات ارائه شده، در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهند و در صورت پنهان ساختن اطلاعات و یا فریب مصرف‌کنندگان مسئول شناخته می‌شوند (صالحی، ابراهیمی، پیشین، ص 62).

در برخی از قوانین ایران، اظهارات خلاف واقع در مواردی جرم و برای آن ضمانت اجرای کیفری مقرر شده است. ماده 34 قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مقرر داشته؛ تولیدکنندگان موظفند برچسب اطلاعاتی بر روی کلیه‌ی محصولات و فرآورده‌های تولیدی الصاق نمایند و شماره‌ی پروانه ساخت و مهلت اعتبار مصرف را درج کنند. تخلف از این امر جرم بوده و متخلف به مجازات محکوم می‌شود.

ماده 33 قانون تجارت الکترونیک نیز ارائه‌ی اطلاعات مؤثر در تصمیم‌گیری را از وظایف فروشندگان و ارائه‌کنندگان خدمات دانسته است و در ماده 69 مجازات متخلفین را پرداخت جزای نقدی معادل ده تا پنجاه میلیون ریال تعیین کرده است. البته توجه به این نکته ضروری می‌نماید که در این قانون با هدف حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و سازماندهی و ضابطه‌مند کردن تبلیغات تجاری و بازاریابی در محیط تجارت الکترونیک، اعمالی جرم‌انگاری شده‌اند. مقنن در این قانون سعی نموده تا حمایت از قواعد تدوین شده را با استفاده از ضمانت اجرایی که در حقوق کیفری در اختیار دارد، امکان‌پذیر سازد.

بند 2 ماده 3 قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان نیز مقرر داشته، عرضه‌کنندگان کالا و خدمات و تولیدکنندگان مکلفند اطلاعاتی شامل نوع، کیفیت، کمیت، آگاهی‌های مقدم بر مصرف، تاریخ تولید و انقضای مصرف را در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهند. در ماده 19 همین قانون ضمانت اجرای تخلف از این امر در صورت ورود خسارت، علاوه بر جبران خسارت، جزای نقدی حداکثر معادل دو برابر خسارت وارده تعیین شده است. در ماده 5 قانون

مقررات امور پزشکی و دارویی، مواد خوردنی و آشامیدنی نیز انتشار آگهی تبلیغاتی گمراه کننده توسط مؤسسات پزشکی و دارویی جرم دانسته شده و جزای نقدی و حبس برای آن پیش بینی شده است. به موجب تبصره 2 ماده 17 قانون نظام صنفی نیز تبلیغات خلاف واقع از سوی واحدهای صنفی ممنوع دانسته شده و برای مجازات آن جزای نقدی تعیین شده است. در قوانین ایران دعوی ناشی از فریب مصرف کننده مورد شناسایی قرار گرفته است، اما از آنجایی که طرح دعوی گروهی در حقوق ایران پیش بینی نشده، در این قلمرو نیز امکان طرح چنین دعوی به صورت گروهی وجود ندارد.

ه- دعوی گروهی ضد انحصار (Antitrust Class Action)

در این شکل از دعوی گروهی، خواهان یک بنگاه اقتصادی و شرکت را به دلیل تبانی برای تثبیت قیمت ها یا مشارکت در رفتارهای ضد رقابتی که منجر به تورم غیر واقعی قیمت محصولات شده، مورد تعقیب قرار می دهد. این دعوی از این جهت قابل توجه هستند که هر چند خسارت وارد شده بیشتر جنبه ی فردی داشته باشد، دادگاه ها مسئولیت خوانده را به هم می گزیند و تسری می دهند. در واقع ماهیت پیوسته ی این دعوی پذیرش آن ها را توجیه نماید (Driggers, op.cit, p.257).

دو بحث اصلی در رابطه با دعوی گروهی ضد انحصار مطرح می شود. اولین بحث به این امر می پردازد که آیا خواهان می تواند ثابت کند رفتار ضد رقابتی خوانده، بر تمام گروه تأثیر گذاشته است؟ دیگر این که مفهوم بازار مرتبط، در این دعوی از اهمیت زیادی برخوردار است. خواهان خسارت ناشی از رفتارهای ضد رقابتی و بازار مرتبط را به گونه ای تعریف می نماید که امکان طرح ادعاهای خود در رابطه با همه ی گروه را داشته باشد. اما خوانده به دنبال این است تا رفتارهای متفاوت خریداران را در بازار مربوط، که منجر به ورود ضرر به آن ها شده، فردی تلقی کند و قابل انتساب و تسری به گروه نداند (Anderson, Trask, op.cit, p.60).

و- دعاوی گروهی زیست‌محیطی (Enviromental Class Action)

در این شکل از دعاوی گروهی، خواننده به دلیل آلوده ساختن محیط زیست مانند آلوده کردن منابع آب‌های زیرزمینی توسط کارخانه‌ای که ضایعات خود را وارد حوزه آب‌های زیرزمینی نموده مورد تعقیب قرار می‌گیرد. در این نوع از دعاوی گروهی، ادعا می‌شود آلودگی هوا، صدا و آب که از منشاء واحدی سرچشمه گرفته، منجر به آسیب‌های جانی به افراد و تخریب اموال شده است. در این قلمرو معمولاً غفلت، تجاوز و تعرض، مزاحمت و تعدی از قوانین محیط زیست فدرال و ایالتی به عنوان دلیل ادعای افراد مورد استناد قرار می‌گیرد. دعاوی گروهی زیست‌محیطی، حول محور قابلیت اثبات و رابطه‌ی سببیت می‌چرخد. خواهان به دنبال اثبات این امر است که یک حادثه یا روش رفتاری منجر به ورود خسارت به گروهی از افراد شده است. خواننده نیز از سوی دیگر، مدعی است تعیین رابطه‌ی سببیت بین رفتار وی و خسارت وارد شده، منجر به ایجاد مسائل فردی زیادی می‌شود که قابلیت تسری به گروه ندارد، به همین دلیل نمی‌توان در قالب گروهی آن را مورد رسیدگی قرار داد (Ibid,p.61).

مبحث دوم- سایر طرق اجتماع افراد در دعاوی

اگرچه دعاوی گروهی شناخته‌شده‌ترین شکل طرح دعوا از سوی تعداد زیادی از افراد است که از حادثه‌ای متضرر شده‌اند، اما اقسام متعدد دیگری از شیوه‌های طرح دعوا به صورت دسته‌جمعی (Methods of Aggregating Parties) در حقوق فدرال آمریکا وجود دارد. در این جا برجسته‌ترین اشکال طرح دعاوی جمعی در حقوق فدرال آمریکا و حسب مورد، طرق مشابه در نظام حقوقی ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

الف- دعاوی جمعی (Joinder (Rule 20))

به لحاظ ماهیتی، ساده‌ترین شکل تجمیع ادعاهای افراد، تنها بهم پیوستن افراد به موجب یک دادرسی است. در قانون آیین دادرسی مدنی فدرال، دعاوی جمعی به دو صورت طرح می‌شوند: اجتماع ادعاها (Joinder of Claims) و اجتماع افراد (Joinder of Parties).

به موجب ماده 18 قانون آیین دادرسی مدنی فدرال ایالات متحده آمریکا که به اجتماع ادعاها پرداخته، خواهان امکان طرح ادعاهای مختلف نسبت به یک خواننده را در یک دعوا پیدا می‌کند و با در کنار هم قرار دادن تمامی ادعاهای مرتبط با خواننده، دعوا را طرح می‌نماید. در این جا قانون، وجود هیچ اشتراک قانونی و ماهوی را بین ادعاها شرط ندانسته و بلکه تنها می‌بایست این ادعاهای متعدد از سوی یک خواهان علیه یک خواننده طرح شود. در ماده 20 قانون آیین دادرسی مدنی فدرال ایالات متحده آمریکا، شرایط اجتماع افراد علیه خواننده واحد مطرح شده است. بر مبنای مقررات مندرج در ماده 20 یادشده خواهان‌ها «در صورتی می‌توانند در یک دعوا به عنوان خواهان علیه یک خواننده بهم پیوندند که حق خود را مجتمعاً در رابطه با یک معامله، حادثه یا مجموعه‌ای از حوادث و معاملات استیفا کنند و جهات حکمی یا موضوعی مشترکی، بین خواهان‌ها در رابطه با دعوا وجود داشته باشد» (Rule 18,20 Federal Rules of Civil Procedure).

در واقع فایده اصلی طرح دعوا به صورت جمعی، در مقایسه با دعایی که از سوی یک فرد اقامه می‌شود، امکانی است که برای افراد جهت استفاده بهتر از منابع خود در جهت پیش‌برد دعوا فراهم می‌آورد. همچنین، هر یک از خواهان‌ها بر مطالبات و ادعاهای خود کنترل کامل دارند و نقش مؤثری در اتخاذ تصمیمات ایفا می‌نمایند. در دکتین حقوقی، محدودیتی از جهت تعداد افرادی که می‌توانند در یک دعوا با یکدیگر متفقاً شرکت داشته باشند، وجود ندارد. دعوی جمعی، کاستی‌هایی را نیز به همراه دارند. از آنجایی که هر یک از خواهان‌های دعوا در روند دادرسی نقش مستقلی ایفا می‌کنند، برای تمامی تصمیم‌گیری‌ها باید مذاکره صورت گیرد. این مذاکرات نوعاً به سادگی صورت نمی‌گیرد و بدون هزینه نیز نخواهد بود. هر چه تعداد افراد بیشتری در دعوا بهم پیوندند، پیچیدگی بیشتری حاصل می‌شود و تصمیم‌گیری را برای دادگاه دشوارتر می‌سازد (Anderson, Trask, op.cit, p.5). پس از حل و فصل دعوا فقط اعضایی که در دعوا مشخص (Named Parties) هستند و به آن پیوسته‌اند به پذیرش حکم دادگاه ملزم می‌شوند. توجه به این نکته ضروری است که در دعوی غیر از دعوی گروهی، دادگاه تنها افراد مشخص را مشمول حکم خود قرار می‌دهد و این در حالی

است که در دعاوی گروهی همه‌ی گروه به استثنای آن‌هایی که از دعوا خارج شدند مشمول حکم قرار می‌گیرند.

در نظام حقوقی ایران نیز امکان اجتماع افراد برای اقامه‌ی دعوا و مطالبه‌ی حق تزییع شده خود درخصوص حادثه‌ی واحد وجود دارد. ماده 65 قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «اگر به موجب یک دادخواست دعاوی متعددی اقامه شود که با یکدیگر ارتباط کامل نداشته باشند و دادگاه نتواند ضمن یک دادرسی به آن‌ها رسیدگی کند، دعاوی اقامه شده را از یکدیگر تفکیک و به هر یک در صورت صلاحیت جداگانه رسیدگی می‌کند و در غیر این صورت نسبت به آن‌چه صلاحیت ندارد با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌نماید».

از این ماده استنباط می‌شود که هرگاه دو یا چند دعوا از یک منشاء تولید شده باشد یا بین آن‌ها ارتباط کامل موجود باشد و به موجب یک دادخواست یا درخواست اقامه شوند، مرجع رسیدگی مکلف است به آن دعاوی در یک دادرسی به طور توأمان رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید.

ب: دعوی ورود ثالث (Intervention Rule 24)

طرح دعوا به صورت جمعی که توضیح داده شد، تنها روش اجتماع افراد برای اقامه‌ی دعوا نیست. مطابق قانون، ذینفع می‌تواند با عنوان ثالث به دعوایی که بین دو طرف دیگر مطرح است و حقوق وی را تحت تأثیر قرار داده وارد شود. ماده‌ی 24 قانون آیین دادرسی مدنی فدرال به دو صورت اجازه‌ی ورود افراد به دعوا را داده است:

«ورود ثالث (Intervention of Right)»

دادگاه تنها به فردی در وقت مقرر اجازه‌ی ورود به دادرسی را می‌دهد که:

- به موجب یک قانون فدرال، حقی غیر مشروط برای ورود به دعوا داشته باشد.
- مدعی منفعتی در مورد مال یا معامله‌ی موضوع دعوا باشد و دعوی مطروحه، توانایی وی را برای دفاع از حقوقش کاهش دهد یا از بین ببرد، مگر این‌که طرفین حاضر در دعوا به طور کافی منافع وی را تأمین کنند.

ورود ثالث با اجازه دادگاه (Permissive Intervention)

به طور کلی دادگاه در وقت مقرر به فردی اجازه‌ی ورود به دادرسی را می‌دهد که:

▪ به وسیله‌ی قوانین فدرال یک حق مشروط برای ورود به دعوا داشته باشد.

▪ ادعا یا دفاع او به لحاظ موضوعی یا حکمی با دعوای مطروحه اشتراک داشته باشد.

در نوع اول (ورود ثالث)، فرد در صورتی که به موجب قانون فدرال حق غیر مشروطی برای ورود به دعوا داشته باشد و همچنین مدعی منفعتی مرتبط با موضوع دعوا باشد که در صورت عدم ورود به این دادرسی احتمال ضایع شدن حق وی به علت عدم حمایت کافی از آن توسط طرفین حاضر در دادرسی، وجود داشته باشد، می‌تواند به دعوا در قالب ثالث وارد شود. در نوع دوم (ورود ثالث با اجازه‌ی دادگاه)، ورود ثالث بستگی به صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده دارد. در صورتی که فرد حقی مشروط برای ورود به دعوا داشته باشد و ادعا یا دفاع وی به لحاظ حکمی یا موضوعی با دعوای مطروحه اشتراک داشته باشد، اجازه‌ی ورود به دادرسی را پیدا می‌کند. ورود ثالث زمانی امکان‌پذیر است که، سرمایه‌ی محدود یا حقی غیر قابل تقسیم و تفکیک در دعوا وجود داشته باشد و بتوان حقی عینی را در نتیجه‌ی دعوا برای وارد ثالث تصور نمود. دعوای وارد ثالث موجب صرفه‌ی اقتصادی برای دستگاه قضایی است، موارد مربوط به هم را در یک دادرسی حل و فصل می‌نماید و از ناتمام ماندن دادرسی جلوگیری به عمل می‌آورد (Anderson, Trask, op.cit, p.7).

ورود ثالث به دعوایی که حقوق وی را تحت تأثیر خود قرار داده امری است که در حقوق ایران نیز مورد شناسایی قرار گرفته است. مواد 130 تا 134 قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب 1379 به مبحث «ورود شخص ثالث» اختصاص یافته است. ماده 130 این قانون مقرر می‌دارد: «هرگاه شخص ثالثی در موضوع دادرسی اصحاب دعوای اصلی برای خود مستقلاً حقی قائل باشد و یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذینفع بداند، می‌تواند تا وقتی که ختم دادرسی اعلام نشده است، وارد دعوا گردد چه این که رسیدگی در مرحله‌ی بدوی باشد یا در مرحله‌ی تجدیدنظر. در این صورت

نام‌برده باید دادخواست خود را به دادگاهی که دعوا در آن‌جا مطرح است تقدیم و در آن منظور خود را به طور صریح اعلام نماید».

برای اقامه‌ی دعوای ورود شخص ثالث در حقوق ایران می‌بایست قبلاً دعوایی تحت عنوان دعوای اصلی میان خواهان و خوانده مطرح و در جریان رسیدگی باشد، و شخص ثالث صرفاً مدعی استحقاق حقی در موضوع دعوای اصلی جهت خویش شود. دعوای ورود شخص ثالث زمانی اصلی محسوب می‌شود که شخص ثالث در موضوع دعوای اصلی برای خود مستقلاً حقی قائل باشد. در مقابل چنان‌چه ثالث خود را در محق شدن یکی از طرفین دعوای اصلی ذینفع بداند، دعوای ورود شخص ثالث «تبعی» خواهد بود.

ج - ادغام دعوای مجزا (Consolidation (Rule 42))

باید توجه داشت که تنها طرفین دعوای نیستند که در قالب‌های مختلف در یک دعوا بهم می‌پیوندند. دادگاه‌های فدرال نیز می‌توانند دعوای مرتبط مطرح شده را با یکدیگر ادغام نمایند و مورد رسیدگی توأمان قرار دهند. ماده 42 قانون آیین دادرسی مدنی فدرال، درخصوص ادغام دعوای مجزا این‌گونه بیان می‌دارد:

«اگر دعوای مطرح شده در محضر دادگاه به لحاظ حکمی یا موضوعی اشتراکاتی داشته باشند، دادگاه می‌تواند:

- مسائل مورد بحث در دعوای را برای بررسی مقدماتی یا محاکمه اصلی با یکدیگر ادغام نماید.
- دعوای طرح شده را با یکدیگر ادغام نماید.
- برای اجتناب از هزینه‌ها و تأخیرهای غیر ضروری درخصوص دعوای مجزا به صورت یک‌جا تصمیم‌گیری نماید.

ادغام، لزوماً تا پایان رسیدگی به دعوای نیز ادامه نمی‌یابد. زمانی که دادگاه درخصوص مسأله‌ی مشترک تصمیم‌گیری نمود، دعوای ادغام شده را از یکدیگر تفکیک می‌کند» (Trask, op.cit, p.8). از آن‌جایی که این ادغام‌ها، در حوزه‌ی صلاحیت دادگاه‌ها صورت

می‌گیرد، هر کدام از طرفین دعوا می‌توانند این امر را به دادگاه پیش‌نهاد بدهند. ادغام دعوی حقوق طرفین دعوا را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد و هر کدام از طرفین باید دلایل و مستندات خود را مستقلاً ارائه نمایند. اگرچه ادغام دعوی برای تسهیل روند اجرا و کم‌هزینه‌تر شدن دادرسی مجاز دانسته شده، اما به وسیله این ادغام، دعوی به یک دعوی واحد تبدیل نمی‌شوند و حقوق طرفین دعوا را تغییر نمی‌دهند.

قانون‌گذار ایرانی در ماده 103 قانون آیین دادرسی مدنی به دعوی مرتبط به طور خاص اشاره کرده و در چند ماده دیگر که اختصاص به دعوی طاری دارد به طور پراکنده به آن اشاراتی داشته است. اما باید توجه داشت در حقوق موضوعه‌ی ایران نیز، ماهیت دعوی مرتبط از دعوی طاری مستقل است. با این توضیح که قواعد دعوی مرتبط بر قواعد دعوی طاری حاکم بوده و دایره‌ی شمول آن را گسترش می‌دهد.

توأم نمودن دعوی، اقدامی است که دادگاه در هر حال پس از طرح دعوی طاری (دعوی اضافی، متقابل، جلب ثالث و ورود ثالث) در صورت وجود شرایط قانونی، به آن مبادرت می‌ورزد. بدین معنا که هر یک از دعوی مزبور را با دعوی اصلی یک‌جا مورد رسیدگی قرار می‌دهد و علی‌القاعده در رأیی واحد تکلیف آن‌ها را روشن می‌نماید. اما توأم نمودن دعوی به سبب طرح دعوی طاری در این‌جا مورد نظر نمی‌باشد بلکه فرضی مورد نظر است که دادخواست‌های متعددی، در محدوده‌ی دادرسی‌های جداگانه به یک دادگاه داده شده که بین آن‌ها چنان رابطه‌ای وجود دارد که می‌توان به همه‌ی آن‌ها یک‌جا رسیدگی نمود و با رأیی واحد تکلیف همه‌ی آن‌ها را روشن کرد.

ماده 103 قانون آیین دادرسی مدنی، توأم نمودن دعوی را در غیر مورد طرح دعوی طاری پیش‌بینی کرده است. این ماده مقرر می‌دارد: اگر دعوی دیگری که ارتباط کامل با دعوی طرح شده دارند در همان دادگاه مطرح باشد، در یکی از شعب با تعیین رئیس شعبه اول یک‌جا رسیدگی خواهد شد. در مورد این ماده و کلا و اصحاب دعوا مکلفند از دعوی مربوط دادگاه را مستحضر نمایند. توأم نمودن دعوی حتی اگر در دادگاه‌های متعدد اما هم‌عرض هم اقامه شده باشد در پی ایراد به موجب بند 2 ماده 84 قانون آیین دادرسی مدنی نیز پیش‌بینی

شده است. در حقوق ایران نیز توأم نمودن دعاوی موجب نمی‌شود که هر یک از دعاوی استقلال خود را از دست بدهد (شمس، 1387، صص 54-55).

با دقت در این ماده قانونی می‌توان گفت که اولاً: این قاعده تنها در مراجعی که با هم از یک صنف و درجه و نوع هستند قابل اعمال است ثانیاً: این قاعده در رابطه با دعاوی مرتبطی که عنوان دعوی طاری را ندارند یا دعاوی طاری که در موعد مقرر در دادگاه رسیدگی کننده به دعوی اصلی طرح نشده است یا دعاوی مرتبطی که ضمن یک دادخواست طرح نشده است، قابل اعمال است.

د - دعاوی متعدد ناحیه‌ای (Multi-District Litigation)

در سال 1998 میلادی کنگره آمریکا، سازوکاری را برای تمرکز دعاوی مشابه که در چندین دادگاه بخش فدرال مطرح می‌شد، فراهم نمود (28 U.S.C. § 1407). مطابق این تصمیم، دعاوی متعدد مشابهی که در چند دادگاه بخش فدرال اقامه شده‌اند برای رسیدگی‌های قبل محاکمه، خاتمه‌ی دعوا، و کشف و بررسی، در یک دادگاه بخش مشترکاً مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. رسیدگی به دعاوی مشابه در یک دادگاه، با این هدف که موضوعات مشترک، بهتر و کارآمدتر بررسی شوند صورت می‌گیرد. زمانی که این موضوعات مورد بررسی قرار گرفت و این هدف تأمین شد، این دعاوی به دادگاه‌های اصلی خود که در آنجا اقامه شده بازمی‌گردند. این رسیدگی توأمان به دعاوی مشابه، موجبات بررسی‌های دقیق‌تر و کم‌هزینه‌تر را در خصوص اقدامات زیان‌بار خواننده نسبت به رسیدگی مجزا به دعاوی فراهم می‌کند. از سویی دیگر، خواننده نیز ابزاری مؤثر برای کنترل پیچیدگی‌های حاصل از دعاوی با قضات متعدد و احکام متفاوت می‌یابد (Trask, op.cit, p.9).

ه - دعاوی اشتراکی (Collective Action)

برخی قوانین مانند قانون استانداردهای منصفانه‌ی کار (Fair Labor Standards Act (2005)) دارای ماهیت جمعی هستند. در این قوانین امکان طرح دعاوی دسته‌جمعی، پیش‌بینی شده است. مطابق قانون اخیرالذکر، هر کارگری که از عمل کارفرمای خود متضرر شده، می‌تواند

علیه او دعوی اشتراکی اقامه کند و برخلاف روند سختگیرانه‌ی پذیرش دعوی گروهی، در این قبیل دعوی خواهان‌ها تنها کافیت ثابت کنند که همه در موقعیت مشابهی قرار دارند. روند شکلی اقامه‌ی این دعوی، تا حدودی با دعوی گروهی تفاوت دارد؛ در این دعوی دادگاه در مورد ورود به دعوی سایر کارگرانی که در موقعیت مشابه خواهان قرار دارند و تبعاً ابلاغ موضوع به آن‌ها، تصمیم‌گیری می‌کند. اگر در تحقیقات بعدی ثابت شود که این دعوا قابلیت طرح به صورت اشتراکی را ندارد، دادگاه جواز پذیرش آن را ملغی می‌سازد (Trask, op.cit,p.10).

قسمت دوم - نقاط قوت و ضعف دعوی گروهی

دعوی گروهی به دنبال احساس نیاز جامعه‌ی حقوقی به طراحی شیوه‌های احقاق حق کارآمد و منطبق با مصادیق تعدد افراد متضرر از موضوع واحد، شکل گرفت. در واقع، نقاط قوت طرح دعوی گروهی موجبات پذیرش این شیوه را در جامعه‌ی حقوقی فراهم آورد (مبحث اول) اما این شیوه‌ی جدید زمینه‌ساز سوءاستفاده و ورود ضرر به اعضای گروه و خواندگان با حسن نیت را نیز به همراه داشته است (مبحث دوم).

مبحث اول - نقاط قوت طرح دعوی گروهی

طرح دعوی گروهی در سال‌های اخیر، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. اجازه‌ی طرح دعوی گروهی موجب می‌شود مصرف‌کنندگان انگیزه‌ی بیشتری برای طرح ادعاها و پیگیری نقض حقوق خود داشته باشند. جمع زیان‌های تک تک افراد گروه با یکدیگر زیان بزرگی را تشکیل می‌دهد که، مطالبه‌ی خسارت از عرضه‌کننده‌ی متخلف را توجیه می‌نماید. دعوی گروهی موجب صرفه‌جویی در وقت و هزینه دادگاه‌ها می‌شود و دادگاه به جای رسیدگی به دعوی کم‌اهمیت بی‌شمار، به یک دعوی مهم و پر اهمیت رسیدگی می‌کند. با توجه به این مهم‌ترین مزایای طرح دعوی گروهی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

الف - استیفای حقوق کم‌ارزش و پراکنده

دعاوی گروهی با ذخیره‌ی زمان و منابع سیستم قضایی، منافع زیادی را برای جامعه به ارمغان می‌آورند. با طرح دعوا به صورت گروهی می‌توان بین شرکت‌های قدرتمند از یک سو و مصرف‌کنندگان نامنسجم، از سوی دیگر موازنه برقرار کرد. زمانی که مطالبات مصرف‌کنندگان متضرر از ارزش بالایی برخوردار نیست، به لحاظ اقتصادی، طرح دعوا به صورت انفرادی و مجزا مقرون به صرفه به نظر نمی‌رسد و به وسیله‌ی دعاوی گروهی است که رسیدگی کارآمد به ادعاهای کوچک امکان‌پذیر می‌شود (Trask, op.cit, pp.12-13).

ب - کارآیی قضایی و صرفه اقتصادی

رسیدگی به یک دعوا، به جای رسیدگی به هزاران دعوی مشابه، در وقت و منابع سیستم قضایی صرفه‌جویی می‌کند. در واقع، دعاوی گروهی فدرال، دعوتی برای اجتماع افراد جهت طرح دعوا نیست بلکه، به عنوان یک دعوی نمایندگی واقعی با هدف اجتناب از طرح دعاوی غیرضروری و تکراری مطرح شده است. دعاوی گروهی که به درستی مورد پذیرش دادگاه قرار می‌گیرند به نفع سیستم قضایی و حتی خواننده است. اگر هزاران نفر شکایت واحد و یکسانی علیه خواننده داشته باشند، این اتلاف منابع قضایی است که دعاوی مربوطه به صورت انفرادی و تکراری اقامه شوند. چرا باید هزاران قاضی و هیأت منصفه را متعهد به رسیدگی به دعوایی کرد که پیش از آن در موارد مشابه مورد رسیدگی و تصمیم‌گیری قرار گرفته است؟ چرا باید افراد را مجبور نمود تا هزینه‌ی استخدام وکیل را در پرونده‌هایی متحمل شوند که بارها پیش از آن مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند؟ (Ibid, p.14).

ج - ماهیت بازدارندگی

دعوی گروهی به افراد اجازه می‌دهد خواسته‌های خود را مجتمعاً در قالب یک دعوا طرح نمایند. این اقدام احتمال مسئول شناخته شدن خواننده را افزایش می‌دهد. مسئولیت خواننده در حالت جمعی دعاوی گروهی بسیار بزرگ‌تر از دعاوی مجزا است. بنابراین، خواننده پیش از

اقدام عمل با دقت بیشتری به عاقبت کار می‌اندیشد و از این طریق از اعمال خلاف قانون شرکت‌های بزرگ، جلوگیری به عمل می‌آید (Ibid, p.14).

د - تنظیم مقررات پسینی (Ex Post Regulation)

بازارهای مالی با کاستی‌هایی از قبیل عدم تقارن اطلاعات و هزینه‌های بالای معاملاتی مواجه هستند. برای اصلاح این کاستی‌ها و افزایش رفاه اجتماعی ابزارهای مقررات‌گذاری پیشینی (Ex Ante Regulation)، پسینی و خودکنترلی (Self Regulation) مورد استفاده قرار می‌گیرد. کاستی‌های بازار با به کارگیری هر سه ابزار ممکن اصلاح می‌شود. در این میان دعوی گروهی، یک ابزار مقررات‌گذاری پسینی محسوب می‌شود که پس از وقوع حادثه به کنترل و تنظیم می‌پردازد و آثار بازدارندگی آن موجب افزایش کارایی بازار می‌شود. مقررات‌گذاری‌های پیشینی، از سوی مقامات عمومی از طریق استانداردگذاری و کنترل به صورت مستقیم و متمرکز نسبت به همه‌ی مردم اعمال می‌شود. این در حالی است که مقررات‌گذاری پسینی که دعوی گروهی جزو آن‌ها محسوب می‌شود، از سوی اشخاص از طریق اقامه‌ی دعوا به صورت غیر مستقیم و غیر متمرکز به کنترل اعمال طرفین دعوا می‌پردازد. مقام‌های تصمیم‌گیرنده در این مقررات‌گذاری، قضات می‌باشند. مقررات‌گذاری‌های پسینی به مراتب انعطاف‌پذیرتر تلقی می‌شوند، چراکه در مقررات‌گذاری پیشین به تدوین یک سری قوانین ثابت پرداخته می‌شود و با در نظر گرفتن حد مطلوب عملکردها، برای کنترل آن‌ها مقررات وضع می‌شود. یکی از قلمروهایی که در آن دعوی گروهی به عنوان یک ابزار تنظیمی مورد استفاده قرار می‌گیرد، حمایت از سرمایه‌گذاران در مقابل مدیران در بازارهای مالی است. بر این اساس این امکان برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌شود تا مدیران را به دلیل رفتارهای مسامحه‌کارانه، مورد تعقیب قرار دهند (Porrini, 2007, pp.6-8).

ه - قطعیت

عدم قطعیت در دعاوی برای طرفین دعوا هزینه‌های زیادی را به دنبال دارد. این مسأله زمانی که تعداد زیادی از خواهان‌های بالقوه، ادعاهای مشابه مطرح می‌کنند شدت می‌یابد.

رسیدگی جداگانه به ادعاها یکی پس از دیگری منجر به نتایج متفاوتی می‌شود. این تفاوت‌ها از شرایط، قوانین، و عملکرد وکلا، قضات یا هیأت منصفه‌ی متفاوت ناشی می‌گردد. تعدد عوامل مؤثر در نتایج متفاوت موجب افزایش هزینه‌های خواننده نیز می‌گردد. از این رو رسیدگی به دعاوی متعدد در قالب دعاوی گروهی و در یک دادرسی، عدم قطعیت ناشی از این تفاوت‌ها را کاهش می‌دهد (Trask, op.cit, p.15).

و- امکان جبران خسارت وارد شده به تمام اعضای گروه

در صورتی که خواننده با دعاوی متعددی روبه‌رو باشد، این احتمال وجود دارد که دارایی او برای جبران خسارت تمام افراد گروه کافی نباشد و افرادی که زودتر اقامه‌ی دعوا نموده‌اند، در مورد ادعای مشابه با دیگران، مبلغ بالاتری دریافت نمایند و در نتیجه از سرمایه‌ی خواننده چیزی برای جبران خسارت سایر متضررین باقی نماند. اما دعاوی گروهی این خطر را برطرف می‌نماید و امکان پرداخت خسارت به همه‌ی اعضای گروه را به یک نسبت فراهم می‌کند (Silver, 2000, p.204).

مبحث دوم - نقاط ضعف طرح دعاوی گروهی

نهاد دعاوی گروهی از کاستی‌ها به دور نیست. در بعضی مواقع با طرح دعاوی گروهی، اعضای گروه هیچ منفعتی به دست نیاورده‌اند یا از منفعت اندکی برخوردار و گاهی نیز متضرر شده‌اند. همچنین در مواردی وکیل گروه از حق‌الزحمه زیادی برخوردار شده و این در حالی است که سایر اعضای گروه بدون دریافت مبلغ متناسب با ادعای مطروحه رها گردیده‌اند. در کنار این، ارسال ابلاغ‌های گیج‌کننده، مانع فهم کامل محتوای آن‌ها توسط اعضای گروه شده و از اجرای مؤثر حقوق آن‌ها جلوگیری به عمل می‌آورد. در این جا برخی از مهم‌ترین معایب مطرح شده درخصوص دعاوی گروهی مورد بحث قرار می‌گیرد.

الف - امکان سوءاستفاده

یکی از مهم‌ترین معایب و هزینه‌های نهاد دعاوی گروهی، امکانی است که برای

سوءاستفاده فراهم می‌نماید. در واقع، انگیزه‌های قدرتمند زیادی برای سوءاستفاده از این شیوهی اقامه‌ی دعوا وجود دارد. دعوی گروهی به خواهان این فرصت را می‌دهد تا ادعاهای کوچک و کم‌ارزش خود را علیه کمپانی‌های بزرگ در قالب یک دادرسی طرح کند و این امید را داشته باشد که با سازشی سریع به منافی دست یابند و گاهی با سوءاستفاده از این حق، شرکت‌های بزرگ را بر سر این دو راهی قرار دهند که یا به حل و فصل دعوی بی‌ارزش بپردازند و یا این که خود را در معرض ورشکستگی قرار دهند. از این طریق، امکان طرح دعوی واهی افزایش می‌یابد و اعتبار تولیدکنندگان کالا و ارائه‌کنندگان خدمات، خدشه‌دار می‌شود و زمینه‌ی اخاذی فراهم می‌گردد. از سوی دیگر انگیزه‌های قوی برای وکلای خواهان و شخص خواننده وجود دارد تا دعوی گروهی را به عنوان ابزاری برای دست یافتن به سودی قطعی برای خود و تنها منفعتی احتمالی برای اعضای گروه به کار گیرند (Sherman, op.cit, p.2).

ب- سلب حق اعضای گروه برای اقامه‌ی دعوی فردی

اگر وکیل خواهان یا نماینده‌ی گروه نتواند به شکل مؤثری از منافع گروه دفاع کند و مطالبات وی را مطرح سازد، تمام اعضای گروه متضرر می‌شوند و حق اقامه‌ی دعوی فردی مجزا در آن موضوع، از آن‌ها سلب می‌شود. خطر از دست دادن حق اقامه‌ی دعوی فردی پس از شرکت در دعوی گروهی آن را به یک قمار هیچ یا همه چیز تبدیل می‌کند. دعوی گروهی بالاخص دعوی گروهی مصرف‌کننده، اغلب متضمن عملی است که منفعت عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نتیجه دعوی گروهی به نماینده‌ی گروه و وکیل گروه، امکان تصمیم‌گیری درخصوص منفعت عمومی که در گروه متبلور شده را می‌دهد. بنابراین اگر وکیل مرتکب یک اشتباه جدی بشود، به منفعت عمومی و کل اعضای گروه ضرر وارد می‌سازد (Bronsteen, Fiss, 2003, p.1420).

ج- تعارض بالقوه منافع بین وکیل و اعضای گروه

مهم‌ترین نقطه ضعف دعوی گروهی، بالاخص دعوی گروهی مصرف‌کننده، از منطبق جاری در آن سرچشمه می‌گیرد. از یک سو، ادعای هیچ‌کدام از اعضای گروه به قدری قابل

توجه نیست که اقامه‌ی دعوا و تحمل هزینه‌های دادرسی را به تنهایی به عهده بگیرد؛ از سوی دیگر، با اقامه‌ی دعوا به صورت گروهی، این نماینده و وکیل گروه است که وظیفه‌ی ارائه‌ی مطالبات گروه را در دادگاه به عهده دارد و این وکیل گروه است که عهده‌دار پیش‌برد روند دادرسی و ارائه‌ی منافع گروه خواهد بود. اگر وکیل تجربه و شایستگی لازم را داشته باشد، مطالبات گروه به خوبی ارائه می‌شود؛ اما وکلای گروه نیز منافع اقتصادی مخصوص به خود را در دعوا دارند که لزوماً با منافع گروه تطابق ندارد. منافع گروه در این است که، جبران خسارت نهایی خالص ناشی از سازش یا رسیدگی دادگاه به حداکثر برسد و هرچه هزینه‌های دادرسی و دستمزد وکیل کم‌تر باشد، به نفع گروه است؛ اما منفعت اقتصادی وکیل در این است که، ساعات مؤثری که در پرونده صرف کرده و دستمزد ناشی از آن را به حداکثر برساند. در نتیجه یک وکیل صادق و وفادار به گروه نیز، در نهایت تحت تأثیر تعارض منافع قرار می‌گیرد. این تعارض منافع زمانی که قرار است دستمزد وکیل از پولی که به عنوان جبران خسارت به گروه داده شود برداشت شود، خود را نمایان‌تر می‌سازد و هر آن‌چه وکیل دریافت می‌کند از دارایی گروه کم می‌شود (Cooper Alexander, 2000, p.18).

از این رو در سال 2005 میلادی، به موجب قانون کافا (Class Action Fairness Act) سعی شد این تعارض منافع وکیل و گروه خواهان‌ها تا حدی کاهش یابد. به موجب این قانون، مقرر شد در پرداخت‌های کوپنی، دستمزد وکیل بر مبنای کوپن‌هایی که توسط خواهان‌ها در نهایت وصول شده و مورد استفاده قرار گرفته، پرداخت شود تا وکلا به سازشهایی با کوپن‌های بی‌ارزش تن ندهند. همچنین در بحث تأیید سازش بین گروه و خوانده و پرداخت دستمزد به وکیل، دادگاه‌ها موظف شدند تا گزارش مکتوبی از منصفانه بودن آن‌ها ارائه کنند و برای حفاظت از منافع گروه بر روند دعوای گروهی، نظارتی دقیق‌تر از پیش داشته باشند (Class Action Fairness Act 2005).

نتیجه‌گیری

ریشه‌های دعوای گروهی، به عنوان یک شیوه‌ی پیچیده اقامه‌ی دعوا، به حقوق انگلستان باز می‌گردد؛ لکن حقوق ایالات متحده، بستر رشد و بالندگی این شیوه‌ی اقامه‌ی دعوا قرار

گرفته است. دعوی گروهی به عنوان یکی از اقسام طرح دعوی به صورت دسته‌جمعی، از پرحاشیه‌ترین مباحث حقوقی در ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شود. قوانین فدرال ایالات متحده، از منسجم‌ترین و بهترین الگوها در این قلمرو می‌باشد که از سوی بسیاری از کشورها نیز دنبال شده است.

در این شیوه طرح دعوا، فرد یا افرادی به عنوان خواهان، به نمایندگی از سوی تعداد زیادی از افراد که در موقعیت مشابه آن‌ها قرار دارند، در دادگاه به اقامه‌ی دعوا می‌پردازند. مطالبات خواهان‌های نماینده، مشابه ادعاهای اعضای گروه است و آن‌ها از منافع گروه حمایت می‌کنند. طرح دعوا به صورت گروهی، منافع زیادی را نصیب جامعه می‌کند. دو متن قانونی شامل ماده 23 قانون آیین دادرسی مدنی فدرال و قانون کافا که اصلاح موادی از بخش 28 قانون ایالات متحده آمریکا است، تمامی شرایط و لوازم طرح دعوی گروهی را بیان داشته‌اند. دعوی گروهی در حوزه‌های متعددی از قبیل حقوق مصرف‌کننده، آنتی‌تراست، حقوق محیط زیست و حقوق استخدامی امکان طرح دارند.

اگرچه دعوی گروهی، شناخته شده‌ترین شکل طرح دعوا از سوی تعداد زیادی از افراد است که از حادثه‌ای متضرر شده‌اند، اما اقسام متعددی از شیوه‌های طرح دعوا به صورت دسته‌جمعی وجود دارد. برجسته‌ترین اشکال طرح دعوی جمعی، دعوی اشتراکی، دعوی ورود ثالث، دعوی جمعی، ادغام دعوی مجزا و دعوی چند ناحیه‌ای است. دعوی جمعی یادشده تفاوت‌هایی با دعوی گروهی دارند. مهم‌ترین تفاوت آن‌ها، ماهیت نمایندگی دعوی گروهی است. این امر موجب می‌شود حکم صادره در این قبیل دعوی، بر همه‌ی اعضای غایب گروه نیز تسری یابد. این در حالی است که در سایر اقسام اجتماع افراد در دعوی، هر کدام از خواهان‌های دعوا در روند دادرسی، نقش مستقلی را ایفا می‌کنند و ادغام دعوی نیز حقوق طرفین دعوا را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد و هر کدام از طرفین می‌بایست دلایل و مستندات خود را مستقلاً ارائه نماید.

لزوماً رویه‌ی دعوی گروهی در حقوق آمریکا، یک الگوی ایده‌آل برای همه‌ی کشورها محسوب نمی‌شود؛ لیکن با ملاحظه قوانین بومی کشور مقصد، به کارگیری اندیشه‌ی حاکم بر

این شیوه جدید طرح دعوا، می‌تواند موجبات تسریع و تسهیل احقاق حقوق و ایجاد موازنه در حقوق را فراهم آورد.

درخصوص دعوی گروهی به عنوان یک شیوه‌ی پیچیده‌ی اقامه‌ی دعوا از سوی تعداد زیادی از متضررین، رویه‌ی خاصی در آیین دادرسی مدنی ایران پیش‌بینی نشده است. به نظر می‌رسد این امر با نظام حقوقی ما بیگانه است که فردی اجازه اقامه‌ی دعوا را از سوی تعداد زیادی از افراد داشته باشد، بدون این که آن‌ها به عنوان طرف دعوا در دادرسی حضور داشته باشند و یا به طرح‌کننده‌ی دعوا، اجازه‌ی طرح دعوا داده باشند. حال آن‌که در زمینه‌ی طرق مشابه طرح دعوا به صورت گروهی در حقوق ایران با مواردی مانند امکان اجتماع افراد برای اقامه‌ی دعوا به موجب یک دعوا، ورود ثالث و اجتماع دعاوی مرتبط روبه‌رو هستیم. آنچه مهم به نظر می‌رسد این است که در نظام حقوقی ایران طرق مشابه برای طرح دعوی جمعی مشاهده می‌شود اما نهاد دعوی گروهی که مهم‌ترین وجه ممیزه‌ی آن نمایندگی فردی از جانب تعداد زیادی از افراد زیان‌دیده از حادثه‌ای واحد است، پیش‌بینی نشده است. با این توجه، به نظر می‌رسد بتوان با طرح موضوع دعوی گروهی در دکتترین حقوقی، زمینه‌ی پیش‌بینی این شیوه‌ی کارآمد اقامه‌ی دعوا و بومی نمودن آن را در حقوق ایران فراهم نمود.

فهرست منابع

الف - فارسی

- سیملر، فیلیپ، (1377)، راه‌حل حقوق فرانسه در مقابله با شروط تحمیلی در قراردادها، مترجم: عباس قاسمی حامد، مجله‌ی تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره 23-24
- شمس، عبدالله، (1387)، آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، جلد 3، چاپ چهاردهم، انتشارات دراک.
- صالحی، جواد؛ ابراهیمی، یوسف، (1391)، مبانی و قلمرو تعهد به ارائه اطلاعات به مصرف‌کننده کالا، دوفصلنامه علمی پژوهشی دانش حقوق مدنی، شماره اول، بهار و تابستان.
- قاسمی حامد، عباس، (1375)، مروری اجمالی بر نظریه تعهد به دادن اطلاعات، مجله‌ی کانون و کلا، شماره 10.
- قاسمی حامد، عباس، (1386)، حسن نیت در قرارداد، مبنای تعهد به درستکاری و تعهد به همکاری در حقوق فرانسه، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره 46.
- قاسمی حامد، عباس، (1388)، متخصص، متعهد ارائه‌ی اطلاعات به مصرف‌کننده در حقوق فرانسه، مجله‌ی تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره 49.

- قاسمی حامد، عباس؛ خالدی، پری، (1389)، **پیش‌گیری از ورود خسارت به مصرف‌کننده‌ی کالای معیوب یا خطرناک در قوانین و مقررات جاری**، مجله تحقیقات حقوقی، دوفصلنامه علمی پژوهشی، شماره 51.
- قاسمی حامد، عباس؛ خالدی، پری (1391)، **مسئولیت خسارت وارده به مصرف‌کننده کالای معیوب یا خطرناک**، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، دانشگاه تربیت مدرس، سال دوازدهم، شماره 2.
- کله‌الوا، ژان، (1377)، **معرفی حقوق مصرف‌کننده**، مترجم: عباس قاسمی حامد، مجله حقوقی، شماره 23، پاییز و زمستان.
- کله‌الوا، ژان، (1379)، **تعریف مصرف‌کننده**، مترجم: عبدالرسول فدک، مجله تحقیقات حقوقی، شماره 29-30.
- کاشانی، جواد، (1391)، **دعوی گروه: پاسخی به ضرورت وجود تعادل میان قواعد اولیه و ثانویه در سیستم حقوقی**، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره 37.
- محسنی، حسن؛ غفاری فارسانی، بهنام؛ شوشتری نسب، نفیسه، (1391)، **دعوی جمعی و نقش آن‌ها در احقاق حق مصرف‌کنندگان**، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال اول، شماره 1، پاییز.

ب - انگلیسی

- Anderson, Brian, Trask, Andrew, (2010), **The Class Action Playbook**, Oxford University Press.
- A. Solheim, Mark, Hornbrook, Sarah, (2013), **Product Liability Class Action Lawsuit: A Primer & Recent Trends**, Larson. King, LLP.
- Beisner H. John, et al, (2005), **Class Action "Cops"**, Public Servant or Private Entrepreneurs?, Stanford Law Review, Vol. 57.
- Blank D. Joshua, A. Zacks, Eric, (2005), **Dismissing the Class: A Practical Approach to the Class Action Restriction on the Legal Services Corporation**, Penn State Law Review, Vol. 110.
- B. Marcin, Raymond,(1974), **Searching for the Origin of Class Action**, Catholic University Law Review, Vol. 23.
- B. Rubenstein, William, (2005), **Understanding the Class Action Fairness Act of 2005**, UCLA Program on Class Action.
- Bronsteen, John , Fiss, Owen, (2003), **The Class Action Rule**, Notre Dame Law Review, Vol. 78, No. 5.
- B. Scheurman, Sheila, (2006), **The Consumer Fraud Class Action: Reining in Abuse by Requiring Plaintiffs to Allege Reliance as Essential Element**, Harvard Journal, Vol 43.
- Cooper Alexander, Janet, (2000), **An Introduction to Class Action Procedure in the United States**, Presented Conference: Debate Over Group Litigation in Comparative Perspective, Geneva, Switzerland.
- C. Hazard JR., Geoffrey, L. Gedid, John, Sowle, Stephen, (1998), **An Historical Analysis of the Binding Effect of Class Suits**, University of Pennsylvania Law Review, Vol. 146.
- Driggers S. Martin, (1973-1974), **Consumer Class Actions under Federal Rule 23: Consumer Protection Causes of Action available under Federal Statute**, SOUTH CAROLINA Law Review, VOL .25.
- F. Sherman, Edward, (2007), **Consumer Class Actions: Decline and Fall?**, ABA JOURNAL, Vol. 51.

- H. Miller, Chris, (2009), **The Adaptive American Judiciary: From Classical Adjudication to Class Action Litigation**, Albany Law Review, Vol. 72.
- Lyn Basset, Debra, (2007), **Constructing Class Action Reality**, Brigham Young University Law Review.
- Porrini, Donatella, (2007), **Which Law & Economics Model? The Case of Class Action**, Università di Lecce - Facoltà di Economia.
- Silver, Charles, P. Miller, Geoffrey, (2010), **The Quasi-Class Action Method of Managing Multi-District Litigations: Problems and a Proposal**, Vanderbilt Law Review, Vol. 63.
- Silver, Charles, (2000), **Class Action- Representation Proceeding**, in 5 Encyclopedia of Law & Economics, Boudewijn Bouckaert & Gerrit De Geest (eds).
- Spender, Peta, (2002), **Securities Class Actions: A View from the Land of the Great White Shareholder**, Common Law World Rev, Vol. 31.
- X. Shen, Francis, (2010), **The Overlooked Utility of the Defendant Class Action**, Denver University Law Review.